

پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۵۰، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۷
ص. ۴۶۶-۴۴۹

DOI: 10.22059/jhgr.2017.237263.1007493

چگونگی استقرار مدارس علمیه در شهرهای تاریخی دوره اسلامی (مطالعه موردی: شهرهای قزوین و اصفهان)

حسین سلطانزاده* - دانشیار گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
سید محمدرضا خطیبی - استادیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران
شیمای فعلی - پژوهشگر دکتری، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

علیرضا سلطانزاده - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فناوری معماری، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

تأیید نهایی: ۱۳۹۶/۰۸/۰۳

پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۰۴/۱۶

چکیده

پیش از اسلام، مراکز آموزشی در مجاور کاخ‌ها، مراکز حکومتی یا آتشکده‌ها و نقاطی دور از مراکز تجاری قرار داشت، اما در دوران اسلامی، امکان تحصیلات عالی کمابیش برای همه گروه‌های مردم فراهم شد و مراکز آموزشی در سطح شهر یا در کنار بازار شکل گرفت. هدف از این پژوهش رسیدن به مدلی درباره معیارهای جانمایی و مکان‌یابی مدارس در دوره اسلامی است که با بررسی محل استقرار مدارس علمیه در شهرهای قزوین و اصفهان صورت گرفته است. پرسش پژوهش این است که به‌طور معمول مدرسه‌های علمیه در چه نقاط و محورهایی ساخته می‌شدند؟ در این پژوهش از روش تاریخی و توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. مبانی نظری پژوهش بر این دیدگاه استوار است که از یک‌سو به‌سبب ارتباط کارکردی و آیینی مدارس با مساجد، به‌ویژه مسجد جامع و از سوی دیگر به‌دلیل رعایت محرمیت محله‌های مسکونی و دوری فضاهای عمومی و مردانه از آن‌ها، بیشتر مدرسه‌های علمیه در کنار بازار و گذرهای عمومی شکل می‌گرفتند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد بیشتر مدارس در شهرهای بزرگ، در امتداد راسته بازار شکل می‌گرفتند و این امر در اصفهان مشهود است، اما از آنجا که عده‌ای در زمین یا محل مورد نظر مدرسه‌ای می‌ساختند، شماری از این مدارس در محله‌های مسکونی ساخته می‌شد. مدارس دوره قاجار در قزوین نیز بیشتر در داخل محله‌های مسکونی شکل گرفته است.

واژه‌های کلیدی: مدارس علمیه، مدارس اصفهان، مدارس قزوین، محل استقرار مدرسه‌های علمیه.

مقدمه

گسترش دستگاه دیوانی حکومت در دوره ساسانیان و افزایش چشمگیر تعداد دبیران نیز مردم را از شرکت در مراکز آموزش عالی برای تحصیل علوم منع می‌کرد. در این بین، به‌ندرت امکان داشت فردی بتواند از حدود و مرزهای نظام طبقاتی فراتر رود و به طبقه‌ای غیر از طبقه خویش ارتقا یابد.

به نظر می‌رسد در این دوره دبستان‌هایی در آتشکده‌های واقع در محله‌های شهر وجود داشت که مرکز آموزش‌های ساده و ابتدایی بود (سلطان‌زاده، ۱۳۶۴: ۴۰۲). البته از وضع طبقاتی ساکنان این محله‌ها و مطالب و مباحثی که کودکان در این دبستان‌ها می‌آموختند، اطلاعی در دست نیست.

به هر برزنی بر دبستان بدی همان جای آتش‌پرستان بدی (شاهنامه، فردوسی)

پس از اسلام، آموزش و پرورش از انحصار طبقات ممتاز خارج شد و امکان تحصیل علوم متوسطه و عالی برای عده بیشتری فراهم شد. از این میان، علمی مانند پزشکی و نجوم همچنان در مراکز تخصصی‌تر مانند دارالشفاه و رصدخانه‌ها متمرکز بود، اما علوم دینی در قرون اولیه در مساجد و منازل علما تدریس می‌شد. به تدریج همراه با گسترش و پیشرفت علوم دینی، طولانی‌شدن مدت تحصیل و لزوم اسکان طلاب، زمینه‌های پیدایش مدارس مهیا شد که محل بیشتر آن‌ها پیرامون مسجدهای جامع، بازارها، محله‌های مسکونی و میدان‌ها و معابر اصلی یا خیابان‌ها بود. در بررسی‌های اولیه به نظر می‌رسید مدرسه‌های علمیه که به‌طور عمده مخصوص تعلیم علوم دینی بود، بیشتر در کنار بازارها شکل می‌گرفت، اما پژوهش حاضر به دو الگوی محلی متفاوت در نحوه استقرار مدرسه‌ها در شهرهای تاریخی توجه کرده است.

روش پژوهش

روش انجام این پژوهش بر مبنای ماهیت، تاریخی و توصیفی - تحلیلی است که در روش توصیفی از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. اطلاعات نیز از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی جمع‌آوری شده و در نمونه‌های مورد مطالعه (قزوین و اصفهان) به بررسی محل‌های استقرار مدارس علمیه پرداخته شده است. علت انتخاب این دو شهر تفاوت ویژگی‌های کارکردی، اجتماعی و تاریخی آن‌ها با وجود شباهت‌های بسیار است؛ زیرا قزوین حدود نیم‌قرن و اصفهان بیش از یک قرن پایتخت صفویان به‌شمار می‌آمد.

پیشینه پژوهش

درباره چگونگی استقرار مدرسه‌های علمیه در شهرهای تاریخی، پژوهش‌های چندانی انجام نشده است. البته کتاب «تاریخ مدارس ایران» تألیف حسین سلطان‌زاده را می‌توان از نخستین منابعی دانست که در آن به‌صورت کلی به محل استقرار مدرسه‌های علمیه در شهرها اشاره شده است، اما درباره مدرسه‌های جدید می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره کرد.

رودابه فرهادی و اکبر پرهیزکار (۱۳۸۱) در مقاله خود با عنوان «تجزیه و تحلیل توزیع فضایی و مکان‌یابی مدارس ابتدایی منطقه ۶ تهران با استفاده از GIS» به موضوع مکان‌یابی فضاهای آموزشی براساس شاخص‌ها و معیارهای نوین امروزی پرداخته‌اند.

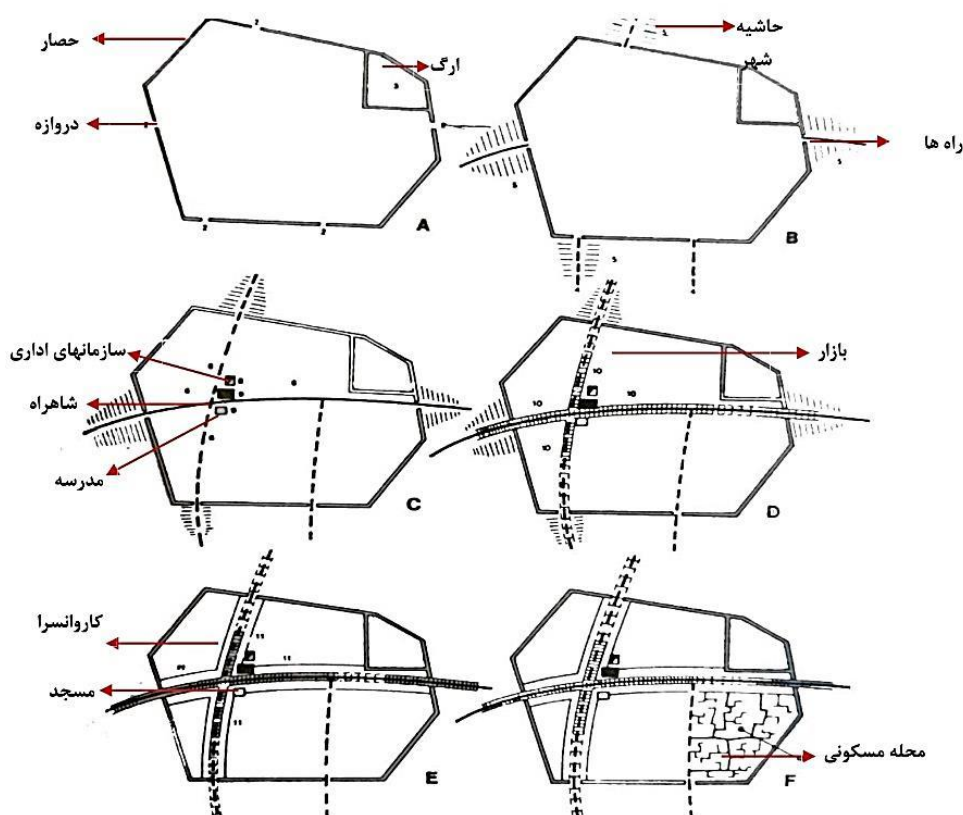
مهراندیش (۱۳۷۸) در پایان‌نامه خود با عنوان «عوامل مؤثر در مکان‌یابی مدارس با استفاده از GIS» سه عامل سازگاری، ظرفیت و مطلوبیت را بررسی کرده و در نهایت تعدادی مدرسه در مکان‌های مختلف برای احداث پیشنهاد داده است.

رحمان پور (۱۳۸۹) در کتاب «معیارهای مکان‌یابی مدارس و ارزیابی آن‌ها» به بررسی شاخص‌ها، ماتریس‌ها و معیارهای مؤثر در مکان‌یابی و استقرار مدارس پرداخته است.

مبانی نظری

مدارس علمیه همواره یکی از عناصر مهم شکل‌گیری هسته‌های تاریخی شهر بوده که ارتباط آن‌ها با عناصر کالبدی-فضایی شهرهای دوره اسلامی قابل‌تأمل است. مبانی نظری این مقاله بر ارتباط محل استقرار مدارس علمیه با پدیده‌های دینی، اجتماعی و عناصر ساختاری شهرهای اسلامی مبتنی است.

باید توجه داشت که در دوره‌های مختلف تاریخی به ساخت مدارس توجه زیادی شد. مانند ساخت مدارس نظامیه در دوره سلجوقیان. در دوره صفویه نیز در اصفهان، مشهد و... توجه خاصی برای ساخت مدارس صورت گرفت. در این بین، ویژگی مهم مدرسه‌ها یعنی جنبه مذهبی آن‌ها یکی از عوامل مهم تعیین‌کننده موقعیت آن‌ها در شهرها بود. فعالیت‌های آموزشی از جمله آموزش خط و کتابت از همان آغاز گسترش اسلام در مساجد صورت گرفت و زمان پرداختن بدان به نحوی بود که اشکالاتی را در فعالیت‌های عبادی به‌وجود نیاورد. برخی از علما حتی در منزل خود تدریس می‌کردند، اما گسترش فعالیت‌های متنوع آموزشی و مذهبی موجب شد مراکز خاص دیگری برای آموزش علوم مذهبی و سایر علوم مربوط به آن شکل بگیرد. از این میان، بیت الحکمه گویا یکی از نخستین مراکز علمی و فرهنگی بود که در اوایل قرن سوم هجری قمری در بغداد تأسیس شد (سلطان‌زاده، ۱۳۷۸: ۴۰۴).



شکل ۱. عناصر اصلی شکل‌دهنده شهرهای اسلامی و موقعیت مدارس در آن‌ها

منبع: پیرنیا، ۱۳۸۹

مسجد جامع و مدرسه

احداث مدارس در کشور ما سابقه‌ای طولانی دارد. مدرسه پیش از این نهادی برای حوزه علمیه بود؛ مکانی ضمیمه شده به مسجد که در آن علوم اسلامی، حدیث، تفسیر و فقه آموزش داده می‌شد. این نهاد با آهنگی طبیعی به آرامی رشد کرد و شاید با تغییری عمده در سبک تدریس متداول شد (هیلن براند، ۱۳۸۰: ۱۷۳).

باید توجه داشت که در آیین اسلام به فعالیت‌های گروهی و اجتماعی در همه زمینه‌ها، از جمله در مراسم و تکالیف عبادی بسیار اهمیت داده شده است. نماز جمعه یکی از مهم‌ترین این عبادات است که عموم مسلمانان در قرون اولیه هجری خود را به شرکت در آن متعهد می‌دانستند. حفظ وحدت و یگانگی جامعه اسلامی و منزلت اجتماعی - سیاسی نماز جمعه و ملاحظات سیاسی ایجاب می‌کرد در هر شهری تنها در یک مسجد نماز جمعه خوانده شود. در هیچ شهری اجازه اقامه نماز جمعه در دو مسجد داده نمی‌شد و در واقع هر شهر تنها یک مسجد جامع داشت که این مکان همراه با منبر از نظر حقوقی و سیاسی از ویژگی‌های شهر محسوب می‌شد و احداث آن در روستاها ممنوع بود.

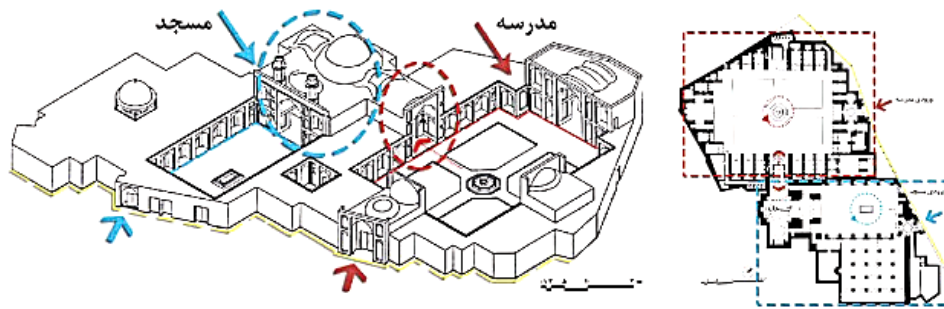
بغداد که به گفته مورخان با ۲۷ هزار مسجد، محراب و اماکن مقدس تنها دو جامع در دو سوی دجله داشت، در قرن دوازده میلادی صاحب یازده مسجد جامع شد. شهرهای کوچک نیز که پیشتر اجازه احداث جامع را نداشتند، از این امتیاز برخوردار شدند.

در زمان‌های گذشته وظیفه و مسئولیت مدارس، بیشتر آموزش‌های دینی بود. مدارس به منزله یکی از ارکان اصلی سازمان‌های شهری به وسیله قشرهای مختلفی مانند علما و مدرسان، سلاطین و ثروتمندان ... ساخته می‌شد و علاوه بر کارکرد آموزشی - مذهبی در بسیاری از اوقات عملکردی سیاسی اجتماعی داشت (پهلوان‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۵۴).

اهمیت کارکردهای اجتماعی و دینی مسجد جامع و ضرورت ارتباط و پیوند کالبدی آن با بافت فضاهای مسکونی، همچنین با فضای تجاری - تولیدی یعنی بازار که مهم‌ترین و پرتحرک‌ترین شاه‌راه ارتباطی شهرهای اسلامی بود، ایجاب می‌کرد که جامع در قلب شهر و مرکز فیزیکی آن جای بگیرد.

پایگاه اجتماعی و دینی جامع، تداوم سنت تدریس و تعلیم علوم دینی در آن و در نتیجه وجه مشترک کارکردی و فرهنگی آن با مدرسه، سبب شد مدارس مذهبی پس از کسب هویت لازم، در جوار مساجد جامع قرار بگیرند. برای مثال، چهار مدرسه در کنار مسجد جامع نیشابور که در میان بازار قرار داشت، ساخته شد. این موضوع تنها در مورد شهرهای بزرگ و در قرون اولیه هجری صادق نبود، بلکه در همه شهرها در صورت امکان، مدرسه در کنار جامع جای می‌گرفت. مانند مدرسه ای واقع در جنب مسجد جامع اردستان که گویا در قرن یازدهم هجری احداث شده بود (ابن بطوطه، ۱۳۵۹).

واضح است که احداث مدرسه در کنار جامع، تنها در صورتی ممکن بود که فضای خالی یا بنا و مجموعه‌ای قابل تخریب در کنار جامع وجود داشته باشد یا اینکه هر دو (جامع و مدرسه) در یک زمان تأسیس شوند. در غیر این صورت مدرسه با مقداری فاصله در حوالی جامع قرار می‌گرفت و با راه‌های ارتباطی، به ویژه از طریق بازار با آن مربوط می‌شد. ویژگی مذهبی مدارس نه تنها آن‌ها را کنار مسجد قرار داد، بلکه سبب شد مراکز مذهبی و آرامگاه بزرگان مذهبی که در ایران بعد از حمله مغول و بیش از همه پس از دوره صفویه اهمیت یافته بود، نقش مساجد را در جذب فضای کالبدی مدارس ایفا کنند. شهرهای قم، مشهد و نایین، نمونه بارز چنین خصوصیتی هستند (سلطان‌زاده، ۱۳۶۴).



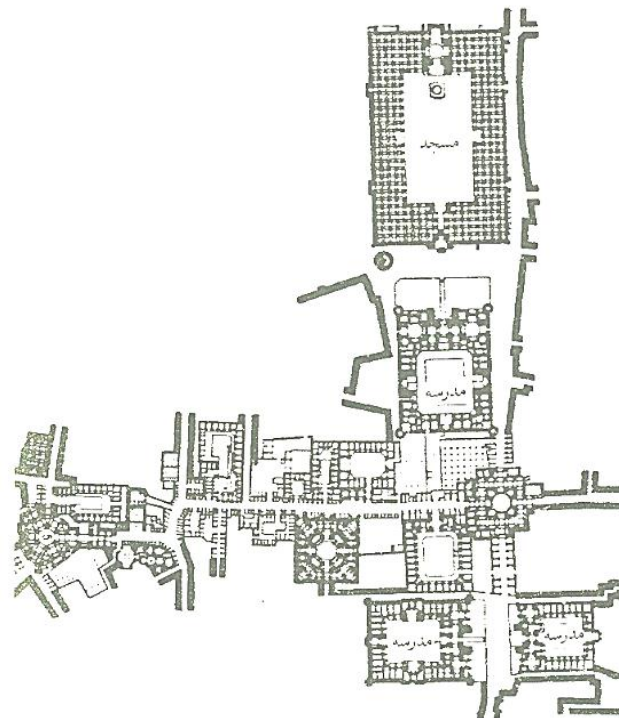
شکل ۲. چگونگی ارتباط مدرسه و مسجد در مدرسه شیخ عبدالحسین تهران

منبع: حاجی قاسمی، ۱۳۷۹: ۴۳

بازار و مدرسه

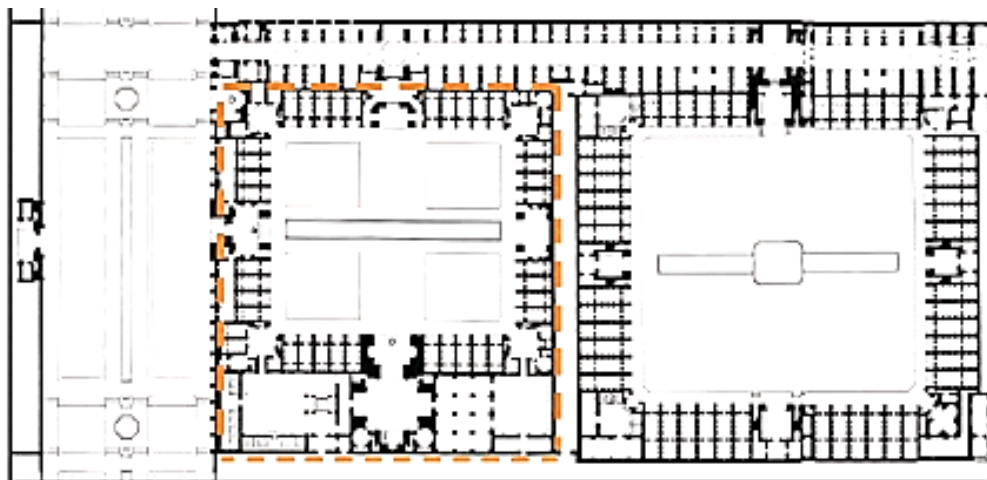
منزلت اجتماعی بازار در شهرهای ایران، مرهون اهمیت بازرگانی و تولیدات صنعتی (صنایع دستی) است که پس از اسلام رونق زیادی به دست آورد. رونق بازرگانی و مبادلات اقتصادی، تنها به تجارت بین‌المللی وابسته نبود، بلکه کارکردهای منطقه‌ای شهرهای ایران و ارتباط اقتصادی-اجتماعی شهر و ده، در تاریخ این مرزوبوم نقش خاصی به بازرگانی و فضای کالبدی آن یعنی بازار بخشید. موقعیت اجتماعی بازاریان، موقعیت کالبدی بازار در شهر و تجمع مراکز مذهبی، فرهنگی، خدماتی و اداری در مسیر آن را باید از عوامل مهم نقش مزبور دانست.

ناصرخسرو در قرن پنجم هجری به اصفهان سفر کرد و شرح جالبی از بازار اصفهان ارائه داد. وی راه‌های وسیع و شبکه ارتباطی شهر را این‌گونه توصیف کرد که با کاروانی حامل ۱۳۰۰ خروار بار، از کوچه‌های شهر تا مقصد مورد نظر عبور کرد، بدون آنکه موضعی تنگ باشد. وی راسته‌ای را مشاهده کرد که در آن دویست صراف به کار اشتغال داشتند و کوچه‌ای را دید که پنجاه کاروان‌سرا در آن جای داشت (ناصرخسرو، ۱۳۵۸).

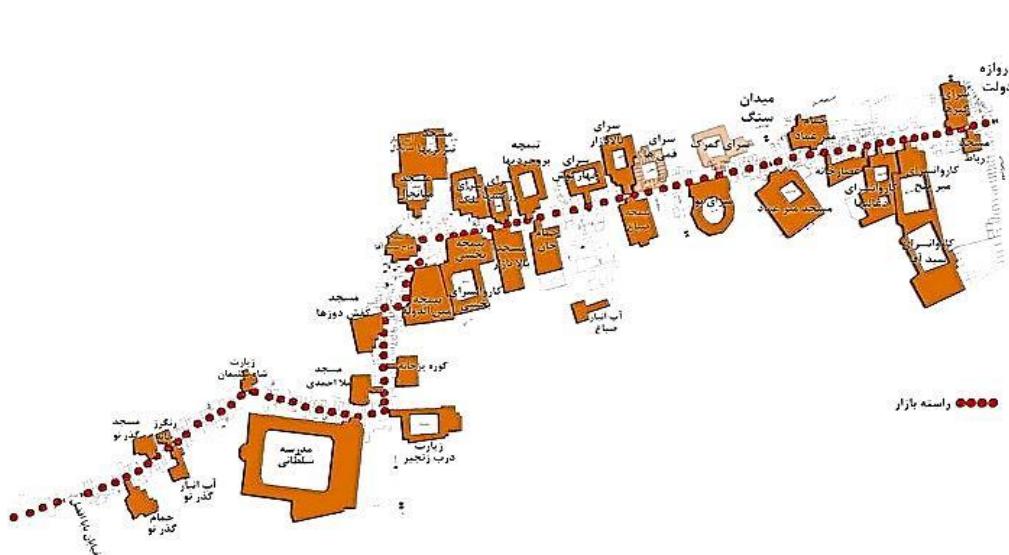


نقشه ۱. بازار بخارا و موقعیت مدارس در جوار بازار و مسجد جامع منبع: سلطان‌زاده، ۱۳۶۴

موقعیت مکانی مدارس در بازار، بیش از هر چیز به مجاورت با جامع و مرکز شهر متمایل بود، اما رشد سازواره‌ای و گاه طراحی شده بازار و فضای ساخته شده و غیرقابل تخریب اجازه نمی‌داد همه مدارس در بهترین مکان و موقعیت استقرار یابند؛ پس به ناچار مدارس جدید در طول بدنه بازار یا مجاور آن احداث می‌شدند. نکته مهم این است که در مدارس، نخست مقداری از درآمد موقوفات را برای حفاظت و نگهداری اصل وقف می‌کردند سپس حقوق هریک از افراد را برحسب متن وقف‌نامه یا عرف جاری می‌پرداختند. این امر سبب می‌شد مجموعه‌هایی که رقبای آن‌ها مثل کاروانسراها و بازارها که عایدات آن‌ها صرف موقوفه می‌شد، در کنار موقوفه (مدرسه) واقع بود به صورت مستقل پایدار بمانند و سال‌ها موقوفه خود را حفظ کنند، مانند مجموعه چهارباغ که هم‌اکنون با همان کاربری اولیه به تربیت طلاب می‌پردازد (حاجبی و ارجمند، ۱۳۹۰: ۹۱).



شکل ۳. پلان مدرسه چارباغ و هم‌جواری آن با کاروانسرا و بازار
منبع: حاجبی و ارجمند، ۱۳۹۰: ۹۲



نقشه ۲. بازار کاشان و موقعیت مدارس در جوار بازار
منبع: اطلس شهر کاشان، ۱۳۹۲

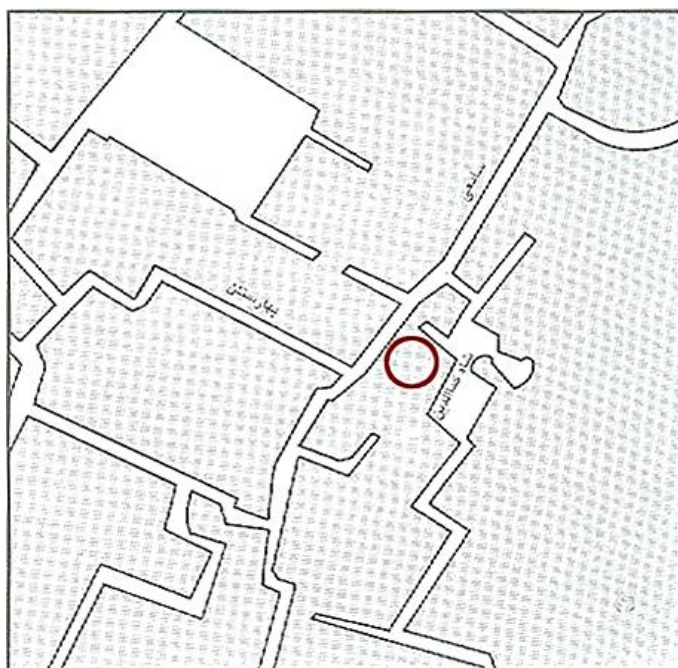
محل‌های مسکونی و مدرسه

تجمع فضای مسکونی در واحدهای متجانس موسوم به محله، بر پایه عواملی مانند همبستگی‌های مذهبی، صنفی، قومی، اجتماعی و اقتصادی موجب نوعی مرزبندی کالبدی- اجتماعی در شهرها شد.

عوامل همبستگی ساکنان یک محله بسیار متنوع بود. در شهرهای نوساز اسلامی مانند کوفه، مردم براساس وابستگی‌های قبیله‌ای و طایفه‌ای در محله‌های متمایز جای گرفتند (جعفری، ۱۳۹۰). عامل مذهب از قرن دوم هجری به بعد یکی از عوامل مهم همبستگی و تمایز محله‌ها از یکدیگر شد. در شهرهای بزرگ یک یا چند محله به مهاجران، و هر کوی و گذر از محله به اهالی مهاجر یک شهر تعلق داشت.

هر محله تأسیسات و تجهیزاتی داشت از قبیل بازارچه، مسجد، آب‌انبار، میدانچه، حسینیه، تکیه و حمام که ساکنان آن از نظر نیازهای روزانه و هفتگی کمابیش نظامی مستقل داشتند. در محله‌هایی که به صنفی خاص تعلق داشت، بازارچه یا بخشی برای کارگاه‌ها یا عرضه کالاها وجود داشت (توسلی، ۱۳۶۰)؛ بنابراین، شاید مدارس مذهبی در محله‌های مسکونی به دلیل نبود فضای خالی در کنار جامع و بازار و افزایش منزلت اجتماعی محله احداث می‌شد. در دوره صفویه در هریک از شهرهای اصفهان و تبریز حدود پنجاه مدرسه وجود داشت که بیشتر آن‌ها را اعیان و بزرگان در محله‌های مسکونی ساخته بودند.

مدارس بزرگ هر شهر به علت منزلت علمی، مدنظر علما و بزرگان شهر شکل می‌گرفت. مدارس قرن‌ها به حیات خود ادامه می‌دادند، اما بسیاری از مدارس کوچک محله‌ای مدتی پس از فوت بانی از رونق می‌افتادند و حتی گاهی اوقات ساختمان مدرسه به علت فوت بانی ناتمام باقی می‌ماند و هرگز به پایان نمی‌رسید. در بعضی موارد مدارس کوچک پس از فوت بنیان‌گذار آن رو به ویرانی می‌رفت و موقوفات آن را متولی یا وارثان، غصب و حیفومیل می‌کردند. پس از اندک مدتی هم مدرسه به صورت ویرانه درمی‌آمد، مثل مدرسه صالحیه (مشهور به مدرسه دختر) شیراز که محل نگهداری گاو و گوسفند اهالی محله شد (فسایی، ۱۳۱۳).



شکل ۴. موقعیت مدرسه شاه ابوالقاسم طراز در یزد در محله نهادان منبع: حریرچی، ۱۳۷۹

میدان، خیابان و مدرسه

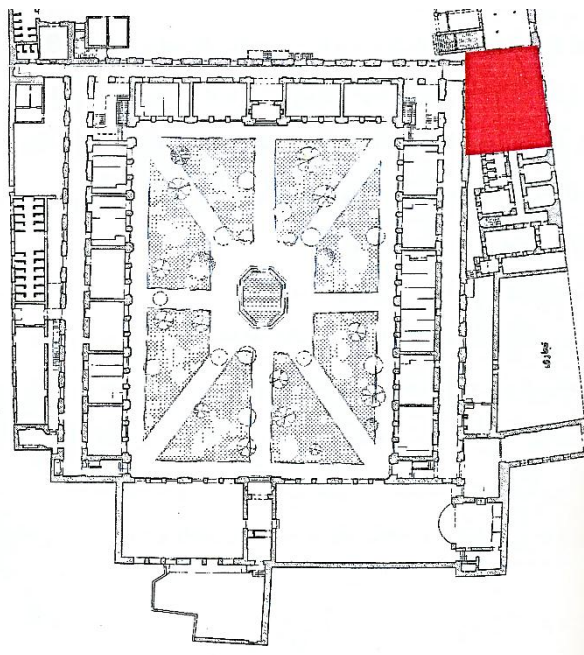
تاکنون بررسی و پژوهش ژرفی در مورد نقش کالبدی و کارکردی میدان و خیابان در شهرهای کهن ایران انجام نشده و اطلاعات موجود در مورد این عناصر شهری به‌ویژه در مورد شهرهای پیش از دوره صفویه بسیار اندک است. در این دوره در شهرهای بزرگ، به‌ویژه مراکز مهم حکومتی و اداری مثل تبریز، قزوین و اصفهان، میدان‌های بزرگی احداث شد. میرزا حسین‌خان (معاصر دوره قاجاریه) چهار میدان (میدان کهنه، میدان میر، میدان چهارحوض، میدان نقش‌جهان) را در اصفهان ذکر می‌کند و می‌گوید در دوره‌های قبل، تعداد میدان‌های اصفهان بیشتر بوده است. کارکرد میدان نقش‌جهان در عهد مذکور بیشتر سیاسی-اجتماعی بود. در قزوین، درگاه دولت‌خانه و خلوت‌خانه و عمارات دیگر حکومتی و شهری در کنار میدان سعادت قرار داشت (سلطان‌زاده، ۱۳۶۴).

از توصیف مورخان و سیاحان چنین برمی‌آید که جنبه کارکردی عمده میدان بیشتر سیاسی و اداری است تا مذهبی و مردمی. بیشتر نهادهای حکومتی و سیاسی هم در آن جای داشتند و فضای باز آن برای برگزاری مراسم رسمی و گاه اعیاد مذهبی و مجازات مخالفان و دشمنان و مجرمان، استفاده می‌شده است. در دوره صفویه در میدان سعادت‌آباد قزوین چند نفر از دزدان و مجرمان را زنده بر سیخ‌های آهنین زدند و پس از برپاکردن آتش آن‌ها را سوزاندند. در زمان ناصرالدین‌شاه نیز در حضور وی قاتلان را در سبزه‌میدان تهران که در ضلع جنوبی ارگ قرار داشت، اعدام کردند. علاوه بر کارکردهای مزبور، در برخی از میدان‌ها، بازارهای موقت و حتی گاه دائم تشکیل می‌شد و فروشندگان اجناس خود را در فضای باز، زیر چادر در معرض فروش قرار می‌دادند. شاردن در سیاحت‌نامه خود از فروشندگانی که اجناس خود را در میدان نقش‌جهان اصفهان به معرض فروش می‌گذاشتند، یاد می‌کند و می‌گوید در هنگام غروب آفتاب، بندبازان و خیمه‌شب‌بازان و داستان‌سرایان مردم را در میدان مشغول می‌کردند. میدان توپ‌خانه تهران در دوره قاجاریه نیز کارکردهای مشابهی داشته و محل لوطیان، چشم‌بندها و رقاصان دوره‌گرد بوده است و مردم اوقات فراغت خود را در این میدان صرف می‌کردند (اورسل، ۱۳۵۳).

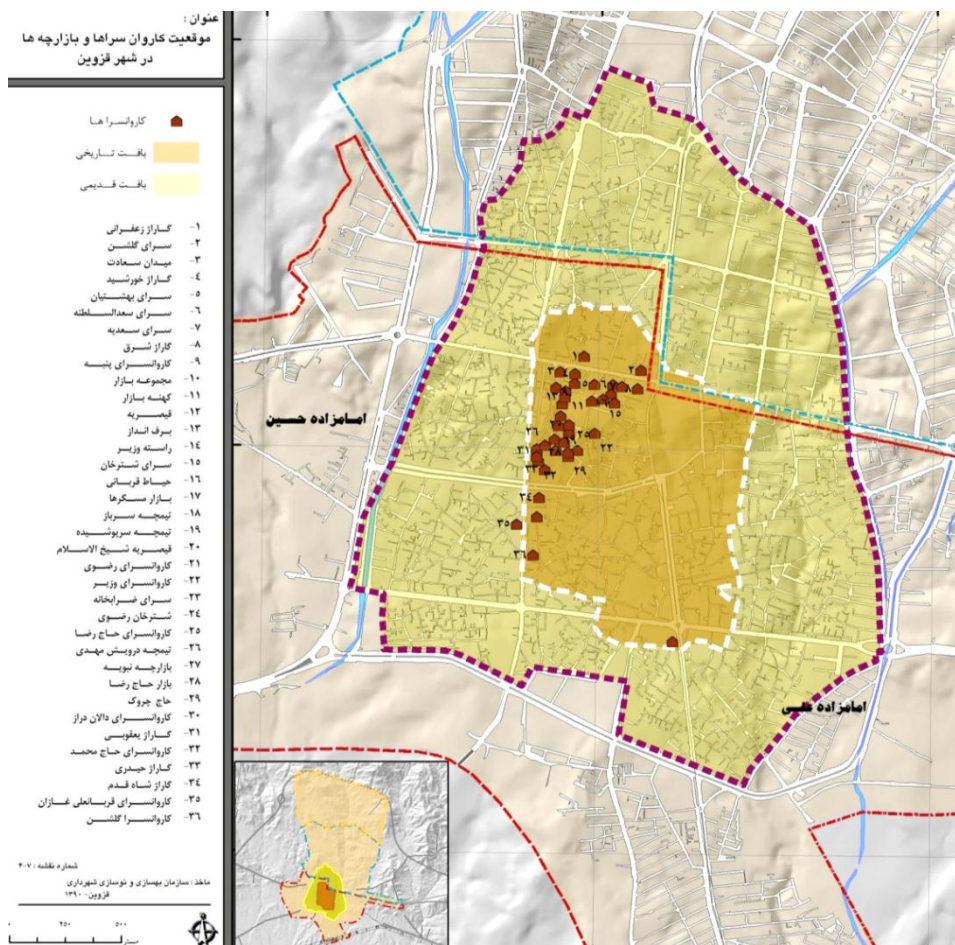
نقش اجتماعی میدان در شهرهای ایران چندان قابل‌مقایسه و مشابه با نقش آن در شهرهای غربی نیست؛ زیرا حکومت‌های مستبد حاکم بر کشور به شهروندان اجازه نمی‌داد در اداره شهر و کشور خود دخالت کنند و هر نوع تجمع و فعالیتی در این رابطه را سرکوب می‌کردند. به همین جهت تقریباً هیچ‌گاه- مگر در مواقع بحرانی- میدان در شهرهای ایران فضایی شهری نبوده که محل تشکیل اجتماعات سیاسی مردم برای تعیین سرنوشت جامعه و اداره امور شهرشان باشد. به همین دلیل در تاریخ شهرنشینی ایران، نقش اجتماعی میدان به پایه نقش و پایگاه اجتماعی جامع و بازار نرسید. بناهای اطراف میدان‌ها که به فضاهای حکومتی و تشریفاتی تعلق داشت، به‌طور عمده به‌وسیله سلاطین، امرا و اشخاص بانفوذ احداث می‌شد. در موارد متعددی در منابع تاریخی به احداث مدرسه از سوی اعیان و بزرگان در کنار میدان شهر اشاره شده است. چنان‌که جوینی در تاریخ جهان‌گشا به دو مدرسه خانی و سعدیه در میدان بخارا اشاره می‌کند. همچنین چند مدرسه نیز در اطراف میدان «رجستان» در سمرقند، در دوره تیموریان بنا شده بود (کونل، ۱۳۵۵). در میدانی که وسط بازار کاشان بود، مدرسه‌ای در کنار مسجد دارالشفای آنجا بنا شد. باید توجه داشت مدارس که در میدان‌ها احداث می‌شد، بیشتر سلاطین، امرا و بزرگان می‌ساختند (نراقی، ۱۳۴۸).

از دوره تیموری به بعد در بعضی از شهرهای بزرگ یک یا چند خیابان ساخته شد. در گذشته به راه و معبر مستقیم خیابان می‌گفتند. به همین سبب، راه اصلی مستقیم و طراحی شده در باغ‌ها هم خیابان نامیده می‌شد و این واژه به معابر مستقیم شهری نیز اطلاق گشت. مانند خیابان چهارباغ اصفهان.

برخی از این خیابان‌ها عرصه‌ای عمومی و معبری همگانی بودند که بعضی از فضاهای عمومی و آموزشی در کنار آن‌ها شکل می‌گرفت. مانند مدرسه چهارباغ در اصفهان و مدرسه شیخ‌الاسلام در کنار خیابان سپه در قزوین.



شکل ۵. موقعیت مدرسه دارالفنون در حاشیه خیابان ناصرخسرو. این بنا را می توان از مدارس جدید به شمار آورد، منبع: طاهر سیما، ایرانی بهیمنی و بذرافکن، ۱۳۹۴



نقشه ۳. موقعیت بازار قزوین و راسته های آن
 منبع: اطلس شهر قزوین، ۱۳۹۰

بحث و یافته‌ها

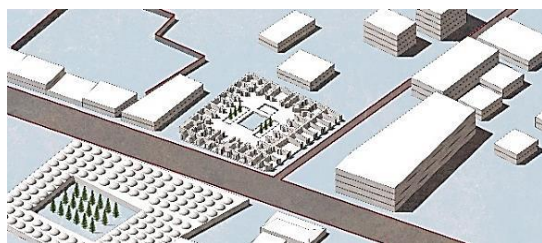
علت انتخاب شهر قزوین و اصفهان به‌عنوان نمونه‌های موردی این پژوهش، بر مبنای وجود دو الگوی متفاوت در استقرار مدارس آنهاست. همچنین ملموس بودن عوامل مؤثر در استقرار آنها در سطح شهر علت دیگر انتخاب این دو شهر است. نمونه موردی اول این پژوهش مدارس علمیه و مذهبی در شهر قزوین است. نقشه‌های زیر موقعیت استقرار این فضاها را در بافت تاریخی شهر قزوین و موقعیت بازار این شهر نمایش می‌دهد.

جدول ۱. موقعیت استقرار مدارس علمیه و مذهبی قزوین به تفکیک محل استقرار

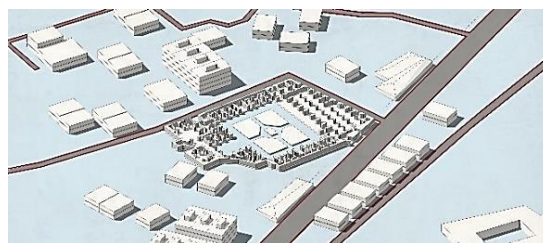
ردیف	نام مدرسه	محل استقرار		مجموعه بازار و بازارچه
		جنب مسجد و امامزاده و مقبره	محلّه	
۱	پیغمبریه	مسجد پیغمبریه	خیابان پیغمبریه	
۲	ابراهیمیه	امامزاده سلطان سید محمد	محلّه آخوند	
۳	حاج ابراهیم تنکابنی		خیابان مولوی	
۴	حیدریه		محلّه پنبه ریشه	
۵	سردار		محلّه دیمج	
۶	صالحیه		خیابان تبریز	
۷	شیخ‌الاسلام		خیابان مولوی	
۸	مولاوردیخان		خیابان شهدا	
			خیابان امام‌خمینی	

پایتخت شدن شهر قزوین در دوره شاه‌طهماسب صفوی سبب شد مرکز شهر که به‌طور معمول در ایران از بازار، مسجد جامع و میدان تشکیل می‌شد، به‌تدریج به بخش جدیدی از شهر منتقل شود و مجموعه حکومت صفوی در آن شکل بگیرد. در نتیجه در کنار بازار جدید شهر که پیشینه آن به صفوی می‌رسد و در دوره قاجار گسترش می‌یابد، مدارس متعددی ساخته نشد؛ چون دوره پایتختی قزوین حدود نیم‌قرن بود و این زمان و به‌ویژه شرایط محیطی، امکان گسترش چشمگیر شهر را فراهم نکرد و در آن دوره مراکز و حوزه‌های علمیه متعدد و زیادی در شهر شکل نگرفت. بیشتر مدرسه‌های علمیه باقی‌مانده در شهر به دوره قاجار تعلق دارد که متناسب با شرایط آن دوره بیشتر به‌صورت مسجد-مدرسه یا مدرسه-مسجد ساخته شده است. از آنجا که اعیان این مدارس را می‌ساختند، بسیاری از آنها ترجیح می‌دادند که مدرسه یا مدرسه-مسجد را در محله خودشان بسازند.

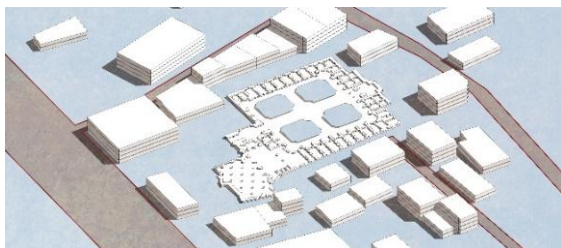
موقعیت قرارگیری چهار مدرسه در مقایسه با بافت و شبکه ارتباطی شهر در قزوین در دیاگرام‌های زیر دیده می‌شود:



شکل ۸. مدرسه التفاتیه



شکل ۷. مدرسه صالحیه

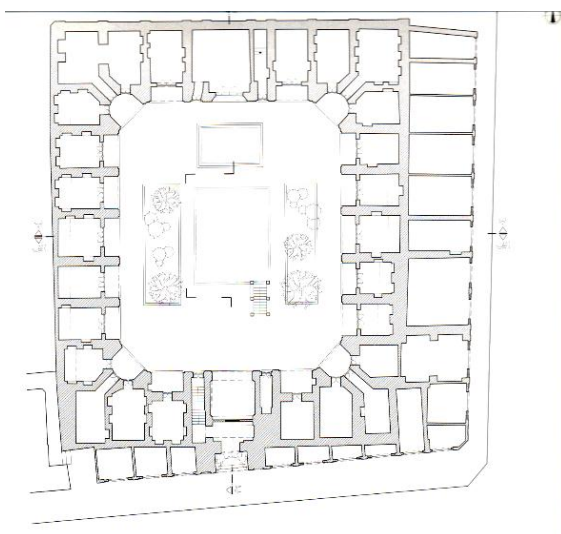


شکل ۱۰. مدرسه شیخ الاسلام

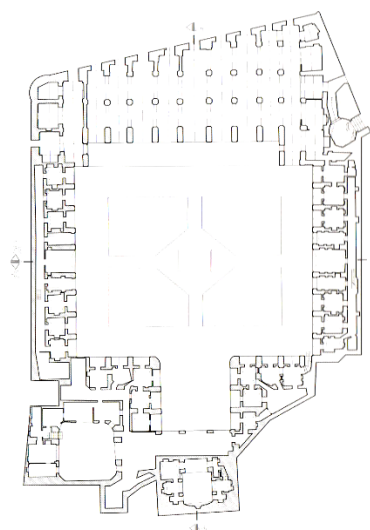


شکل ۹. مدرسه سردار

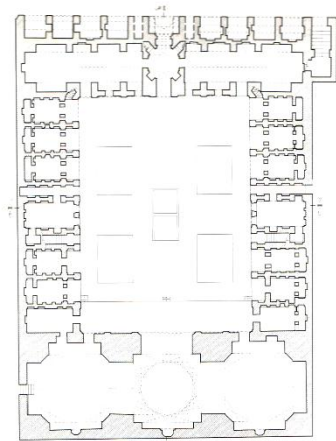
پلان چهار مدرسه بالا در نقشه‌های زیر مشخص شده است:



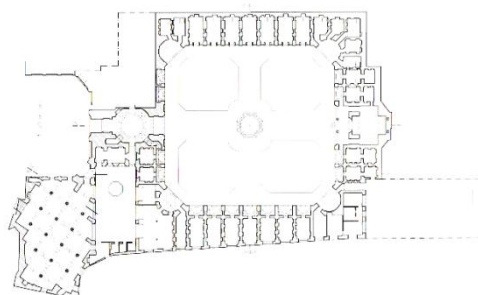
شکل ۱۲. مدرسه التفاتیه



شکل ۱۱. مدرسه صالحیه



شکل ۱۴. مدرسه سردار

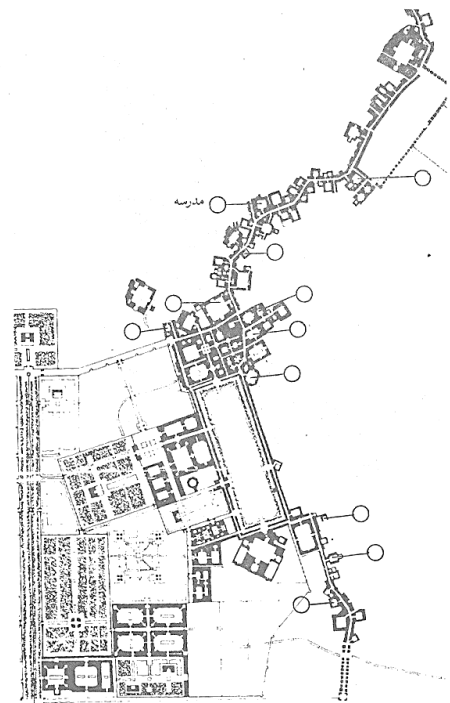
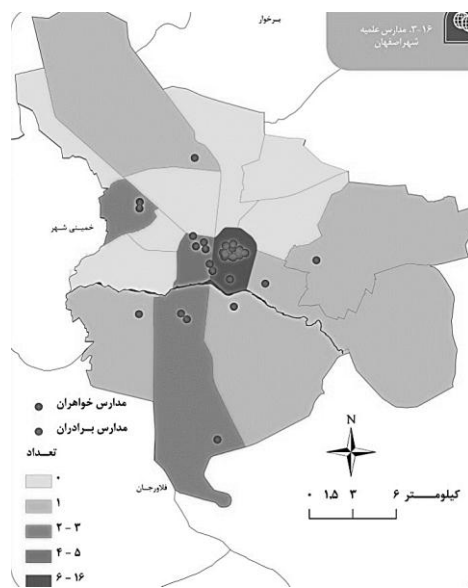


شکل ۱۳. مدرسه شیخ الاسلام

نمونه موردی دوم این پژوهش مدارس شهر اصفهان است. حوزه علمیه اصفهان از ابتدای تأسیس تاکنون، پنج دوره را پشت سر گذاشته است. دوره اول، زمان آل بویه است که بزرگانی چون ابن سینا و ابوریحان بیرونی در این حوزه تدریس کرده‌اند.

دوره دوم عصر سلجوقیان است که با حمایت خواجه نظام‌الملک احداث مدارس علمیه گسترش فراوانی یافت. دوره سوم عصر صفویان است که با انتقال پایتخت ایران به اصفهان و توجه خاص شاهان صفوی، این حوزه به اوج رونق خود رسید. از بزرگان حوزه در این دوران می‌توان از علمای شاخصی نظیر میرداماد، شیخ بهایی و صدرالمآلهین شیرازی نام برد. در دوره چهارم از پایان عصر صفوی تا پیش از انقلاب اسلامی به دلیل بی‌کفایتی حکام قاجار و بی‌توجهی دوره پهلوی، توجه به علوم دینی کمتر شد. پس از انتقال مرکز تشیع از اصفهان به شهر قم و رونق حوزه علمیه قم، حوزه علمیه اصفهان بی‌رونق شد.

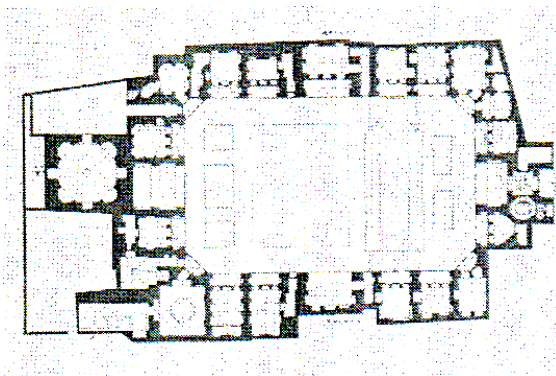
دوره پنجم، پس از پیروزی انقلاب اسلامی علوم دینی و حوزه‌های علمیه کشور جان تازه‌ای گرفت و به‌عنوان حوزه‌ای مستقل و پویا مطرح شد (اطلس اصفهان، ۱۳۹۵). مدارس حوزه علمیه اصفهان به‌طور معمول در بافت قدیم شهر (مناطق ۱ و ۳) قرار دارد و مدارس خارج از این دو منطقه جدیدالتاسیس هستند.



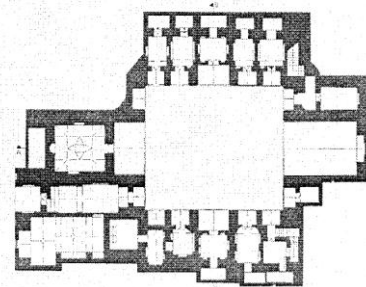
نقشه ۵. نقشه موقعیت بازار اصفهان و محل استقرار مدارس در راسته‌های آن، مأخذ: اطلس شهر اصفهان، ۱۳۹۵

نقشه ۴. نقشه موقعیت مدارس علمیه در اصفهان، مأخذ: اطلس شهر اصفهان، ۱۳۹۵

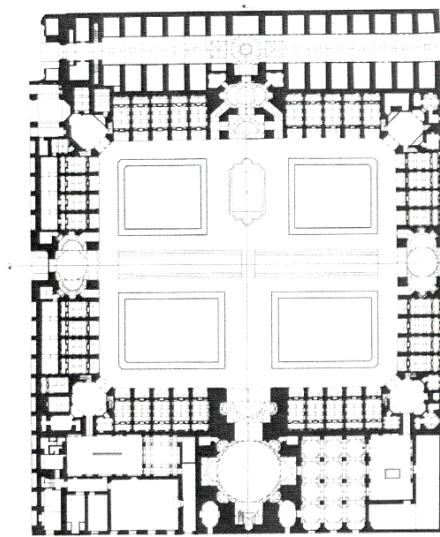
نمونه‌هایی از چهار پلان مدارس در اصفهان



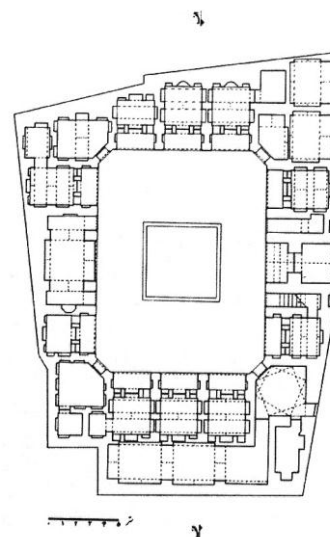
شکل ۱۶. مدرسه باقریه



شکل ۱۵. مدرسه امامیه



شکل ۱۶. مدرسه چهارباغ



شکل ۱۵. مدرسه ترک ها

جدول ۲. موقعیت استقرار مدارس علمیه و مذهبی اصفهان به تفکیک محل استقرار

ردیف	نام مدرسه	جنب مسجد و امامزاده و مقبره	داخل محله	بدنه خیابان و میدان اصلی	مجموعه بازار و بازارچه
۱	اسماعیلیه			خیابان نشاط و کوی قصر	
۲	الماسیه			میدان نقش جهان	بازارچه مقصود بیک
۳	امامیه	مجاورت مقبره باباقاسم		خیابان هاتف	
۴	باقریه (درب کوچک)		محله درب کوشک		
۵	ترک ها		محله درب کوشک		
۶	ثقه الاسلام	مسجد ساروتقی			بازارچه حسن آباد
۷	جده بزرگ			نزدیکی میدان نقش جهان	بازار بزرگ اصفهان
۸	جده کوچک				بازار بزرگ اصفهان
۹	جلالیه			خیابان احمدآباد	
۱۰	چهارباغ			خیابان چهارباغ	
۱۱	حاجی حسن	مسجد علی (ع)			
۱۲	دومنار دردشت		محله دردشت		
۱۳	سلیمانیه	مسجد امام			
۱۴	شفیعیه		محله دردشت		
۱۵	شمس آباد		محله شمس آباد		
۱۶	صدر بازار				بازار بزرگ اصفهان
۱۷	صدر چهارباغ		محله خواجهی اصفهان	خیابان چهارباغ	
۱۸	مدرسه عباسی	مسجد امام			
۱۹	کاسه گران			میدان کهنه	بازار بزرگ اصفهان
۲۰	مظفری	مسجد جامع اصفهان			
۲۱	ملاعیدالله				چهار سوی بازار بزرگ اصفهان
۲۲	میرزا حسین				بازارچه بید آباد
۲۳	نوریه			میدان کهنه	بازار مسجد جامع اصفهان
۲۴	نیم آورد		محله نیم آورد		

اصفهان در دوره سلجوقیان مدتی پایتخت کشور بود. همچنین به سبب وجود زاینده رود و آب‌های زیرزمینی منطقه، همواره به عنوان شهری آباد و پرجمعیت از آن دوره به بعد در کشور مطرح بود و یکی از مراکز فرهنگی به شمار می‌آمد. در این شهر مدرسه‌ای مانند مدرسه امامیه منسوب به دوره ایلخانی از آن زمان باقی مانده است. بازار اصفهان نیز بسیار کهن است و فضاهایی مانند قسمت‌هایی از مسجد جامع آن از دوره آل‌بویه باقی مانده است. حیات آن نیز نه تنها تا دوره صفویه بلکه پس از دوره قاجار نیز ادامه یافت و فضاهای آن اکنون هم کاربرد دارد. حضور صفویان و فرزندان و نوادگان آنان در مدتی نزدیک به دو قرن سبب شد سرمایه‌گذاری مالی و معنوی چشمگیری در زمینه‌های علمی و آموزشی در این شهر صورت گیرد. از همه مهم‌تر اینکه به دلیل گسترش مذهب تشیع در دوره شاه‌عباس نیاز به تربیت عده بسیاری از طلاب بود و برای این منظور مدرسه‌های متعددی در این شهر ساخته شد. محمدمهدی بن محمدرضا الاصفهانی در اثر خود (تألیف حدود ۱۳۰۰ ه. ق) به بسیاری از مدرسه‌های اصفهان در آن زمان اشاره کرده است. وی چهارباغ و صدر بازار را بزرگ‌ترین مدرسه‌های شهر می‌داند و از مدرسه‌های جده‌بزرگ و جده‌کوچک در بازار، مدرسه ملاعبدالله در نزدیکی میدان نقش جهان و چهارسوی بازار، مدرسه نیم‌آورد در محله‌ای مسکونی، مدرسه کاسه‌گران پشت میدان کهنه، مدرسه مریم بیگم در محله خواجه، مدرسه شاهزاده‌ها در محله مسجد حکیم و مدرسه باباقاسم در محله شاهشاهان نام برده است (الاصفهانی، ۱۳۶۸: ۶۹-۷۳).

مدرسه چهارباغ اصفهان که گویا حدود ۱۵۰ حجره داشته است (هنرفر، ۱۳۴۴: ۷۱۹) در کنار خیابان چهارباغ ساخته شده و در مجموعه‌ای همراه با یک کاروانسرا و بازارچه‌ای طراحی و برپا شده است. به نظر می‌رسد وجود کاروانسرا و بازارچه به سبب درآمد حاصل از آن‌ها بوده که صرف هزینه‌های مدرسه می‌شده است. با بررسی نمونه مدارس مذهبی و علمیه می‌توان در جدول ۳ عوامل تأثیرگذار در محل استقرار این فضاها را ارائه کرد.

جدول ۳. چگونگی استقرار مدارس در شهر

محل استقرار مدارس علمیه	مجموعه بازار و بازارچه	بدنه خیابان و میدان اصلی	داخل محله	جنب مسجد جامع و امامزاده و مقبره
عوامل تأثیرگذار و نحوه استقرار	- پیوند کالبدی و کارکردی بازار با مدارس - منزلت اقتصادی اجتماعی بازار ناشی از زیربنای اقتصادی شهرهای بازرگانی تولیدی.	- ساخت مدارس در حاشیه میادین به دست سلاطین، امرا و بزرگان	- وقف فضاهای عمومی از جمله مدارس از سوی اعیان و بزرگان - نبود فضای خالی در کنار مساجد جامع و بازار برای ساخت مدارس مذهبی - افزایش منزلت اجتماعی محله	- وجه مشترک کارکردی و فرهنگی مساجد جامع در مدارس
شرایط ساخت	- ساخت در راسته‌های بازار و بازارچه مانند بازار سراجان، بازار دلالان و...			- وجود فضای خالی یا مجموعه‌ای قابل تخریب در کنار مسجد جامع - تأسیس هر دو (مسجد جامع و مدرسه) در یک زمان
مصادیق	شهرهای اصفهان، کاشان، بخارا	شهرهای کاشان، سمرقند، بخارا	شهرهای اصفهان، تبریز و قزوین	شهرهای قم، مشهد، نایین

تحلیل یافته‌ها

مطالعات نشان می‌دهد عمده مدارس علمیه و مذهبی در شهرها در نزدیکی مسجد جامع، راسته بازارها، داخل محله‌ها و گاهی پیرامون میدان‌ها یا خیابان‌ها مستقر شده است. نکته مهم این است که مدارس یکی از عناصر مهم در ساختار کالبدی فضایی شهرهای دوره اسلامی است که یا به صورت مستقیم با کارکردهای مهم دیگری مانند مسجد جامع یا بازار هسته اولیه شهر را تشکیل می‌داده یا به واسطه موقوفات اعیان و بزرگان شهر در داخل محله‌ها شکل می‌گرفته است. با بررسی نمونه‌های موردی دریافتیم که بیشتر مدارس علمیه و مذهبی اصفهان در دوره صفویه، در حاشیه بازار و بازارچه های اصفهان شکل گرفته؛ در حالی که مدارس مذهبی شهر قزوین در دوره قاجار عمدتاً داخل محله و جنب معابر خیابان های اصلی شهر مستقر شده است.

در آن زمان، استقرار مدرسه علمیه نزدیکی مسجد جامع یا جنب آن پدیده‌ای معمول بوده است؛ زیرا همه مساجد جامع مهم در گذشته نه تنها دور از فعالیت‌های مربوط به آموزش‌های دینی نبودند، بلکه حتی تا دوره قاجار معدودی از علما ترجیح می‌دادند بعضی از حلقه‌های درس خود را در مساجد جامع برگزار کنند. به طور معمول همواره نوعی ارتباط مذهبی و آموزشی بین مسجد جامع و مدرسه‌های علمیه یا به عبارت دیگر بین امام جماعت هر شهر و بعضی مدرسان عالی مقام وجود داشته است؛ زیرا هر دو را پادشاه مستقیم یا غیرمستقیم انتخاب می‌کرد. این ارتباط و نزدیکی به گونه‌ای بود که مدرسه‌هایی متصل به جامع یا حتی به عنوان بخشی از مسجد جامع ساخته می‌شد. مانند مسجد جامع اردستان که یکی از قدیمی‌ترین مدارس علمیه در بخشی از آن شکل گرفته بود. همچنین در دوره مظفریان مدرسه‌ای به مسجد جامع عتیق اصفهان الحاق شد. یکی از نمونه‌های مهم چنین پدیده‌ای در مسجد امام اصفهان مشاهده می‌شود که در دو سوی شبستان سمت قبله دو فضا به عنوان مدرسه ساخته شده است.

استقرار و ساخت مدرسه کنار راسته بازار دو دلیل داشت. نخست اینکه بازار، فضای مهم شهری بود و مدرسه علمیه که تردد طلاب در آن صورت می‌گرفت، در چنین فضایی می‌توانست قابل تبیین باشد. همچنین از آنجا که در بیشتر موارد مسجد جامع در راسته بازار قرار داشت، مدرسه‌ها نیز بیشتر در نزدیکی و امتداد آن ساخته می‌شد.

شمار اندکی از مدرسه‌ها در کنار میدان‌ها شکل گرفتند و با توجه به این در برخی از شهرهای بزرگ و مهم، مسجد جامع، بازار و میدان با هم مرتبط بودند. چنین رابطه‌ای در شهرهای بزرگ ایران طبیعی بود؛ چنان که در جلouxان مسجد امام در تهران دوره قاجار نیز مدرسه‌ای وجود داشت که به محله سبزه میدان و ارک تهران نزدیک بود. بعضی از علما، بزرگان و اعیان شهر برای اعتبار بخشیدن به محله خود، مدرسه را در آنجا می‌ساختند و حتی در مواردی در نزدیکی آن بنای عام‌المنفعه دیگری هم احداث می‌کردند. مانند مدرسه و آب‌انبار سردار در قزوین.

چگونگی موقعیت مدرسه چهارباغ در اصفهان به چند دلیل با هم مرتبط است. نخست آنکه شاه سلطان حسین حجره ای در مدرسه برای خود داشت و برخی اوقات در آنجا و در حلقه‌های درس حضور می‌یافت؛ بنابراین، باید مدرسه را جایی نزدیک به مجموعه کاخ‌های حکومتی می‌ساخت که رفت‌وآمدش به آن ساده و امن باشد. همچنین قطعه زمین‌های کنار چهارباغ در اختیار خاندان سلطنتی بود که به سادگی می‌توانستند دستور دهند مجموعه‌های جدیدی در آن‌ها ساخته شود؛ در حالی که به سادگی نمی‌توانستند زمینی با آن وسعت در بازار پیدا یا تملک کنند. وجود محور بسیار مهم چهارباغ نیز موقعیت مناسبی برای مدرسه و کاروانسرا و بازارچه بلند واقع در کنار آن‌ها به شمار می‌رفت.

نتیجه‌گیری

با توجه به داده‌های تاریخی درمی‌یابیم که در شهرهای بزرگ و پایتخت‌ها، سرمایه‌گذاری‌های مادی و فرهنگی به نحو مطلوبی

در زمینه توسعه علوم دینی صورت می‌گرفت. شرایط تاریخی-اجتماعی نیز به گونه‌ای بود که تعلیم و تربیت عده فراوانی طلبه علوم دینی ضرورت داشت؛ از این رو شمار زیادی مدرسه علمیه ساخته شد که به سبب کارکرد نزدیک آن با مسجد جامع در کنار یا نزدیکی آن قرار گرفت. همچنین به دلیل آنکه مدرسه فضای عمومی و مردانه به شمار می‌رفت، در بخشی از فضای بازار جای داده شد. در این بین، برخی علما یا اعیان و رجال شهر که می‌خواستند مدرسه‌ای بسازند آن را در محله مربوط به خود احداث می‌کردند تا آنجا را توسعه دهند. شماری مدرسه نیز در محله‌های مسکونی، البته کنار راه‌های اصلی محله و نقاطی نزدیک به راسته بازار و دور از معابر فرعی و درونی محله قرار گرفت که به نمونه‌هایی از آن‌ها در متن اشاره شد. همچنین در مواردی مدارس نزدیک میدان‌های شهر، کنار آن‌ها یا خیابان که راه اصلی مستقیم بود، مستقر می‌شد.

در این پژوهش به دو شهر توجه شد که از جنبه تاریخی-اجتماعی و از نظر کارکردی-جمعیتی با هم مشترک بودند و در مواردی مانند پایتخت بودن شرایط متفاوتی داشتند. در نتیجه محل استقرار مدرسه‌های علمیه در آن‌ها نیز متفاوت از یکدیگر بود. از این میان، اصفهان دومرتبه به عنوان شهری پرجمعیت، پایتخت و مرکز مهم سیاسی-اداری در کشور مدنظر قرار گرفت و در هر دومرتبه مدارس فراوانی در آن ساخته شد. نخست دوره سلجوقی که کشاکش‌های مذهبی بین فرقه‌های اسلامی وجود داشت و دوم دوره صفویه که این کشاکش‌ها بین گروه‌های مذهبی داخل و خارج از ایران دیده می‌شد که در هر دو حالت به تعلیم و تربیت شمار فراوانی طلبه و ساخت مدارس نیاز بود. البته بررسی محل استقرار مدارس در دوره سلجوقی به سبب فاصله زیاد تاریخی و دگرگونی‌های شهری به سادگی میسر نبوده، اما محل استقرار مدارس دوره صفوی بررسی شده است.

شهر قزوین با وجود آنکه در دوره شاه‌طهماسب و جانشین او حدود نیم‌قرن پایتخت کشور بود، از جنبه تاریخی، اجتماعی و جمعیتی به حدی توسعه نیافت که یگانه و مهم‌ترین مرکز و کانون پدیده‌های مذهبی و آموزش‌های دینی باشد. در نتیجه در آن زمان مدارس فراوانی در آن ساخته نشد، اما در دوره قاجار به سبب انتقال پایتخت به تهران، به شهری فرعی‌تر تبدیل شد. از سوی دیگر به نظر می‌رسد حکومت و رجال دوره قاجار در مقایسه با دوره صفویه، آرمان‌های مذهبی متفاوتی داشتند و در نتیجه شماری مسجد-مدرسه در تهران و در شهرهای دیگر از جمله قزوین ساخته شد که بسیاری از آن‌ها در کنار راه‌های اصلی محله‌های مسکونی قرار داشت. افزون بر این محل بازار قدیم قزوین به سبب جابه‌جایی مرکز حکومتی و اداری شهر و شکل‌گیری بازاری جدید تغییر کرد که این امر نیز از عوامل شکل‌گیری محل استقرار مدرسه‌ها در این شهر به شمار می‌آید.

منابع

۱. ابن بطوطه، ۱۳۵۹، **سفرنامه ابن بطوطه**، ترجمه رفیع‌الدین اسحاق همدانی، تصحیح اصغر مهدوی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران.
۲. اطلس شهر اصفهان، ۱۳۹۵، اداره کل راه و شهرسازی استان اصفهان.
۳. اطلس شهر قزوین، ۱۳۹۰، اداره کل راه و شهرسازی استان قزوین.
۴. -الاصفهانی، محمد مهدی بن محمد رضا، ۱۳۶۸، **نصف جهان فی تعریف الاصفهان**، امیر کبیر، تهران.
۵. اورسل، ارنست، ۱۳۵۳، **سفرنامه اورسل**، ترجمه علی اصغر سیدی، انتشارات زوار، تهران.
۶. پهلوان‌زاده، لیلا، ۱۳۸۷، **مدارس اصفهان در عصر صفوی**، مجموعه مقالات معماری و شهرسازی از گردهمایی مکتب اصفهان، انتشارات پژوهشکده هنر، تهران، صص ۶۵-۷۲.
۷. پیرنیا، محمد کریم، ۱۳۸۹، **آشنایی با معماری اسلامی ایران**، تدوین غلامحسین معماریان، جلد اول، چاپ پانزدهم، انتشارات سروش دانش، تهران.

۸. توسلی، محمود، ۱۳۶۰، **ساخت شهر و معماری در اقلیم گرم و خشک ایران**، انتشارات پیوند، تهران.
۹. جعفری، سید حسین، ۱۳۹۰، **تشیع در مسیر تاریخ**، ترجمه سید تقی آیت‌اللهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
۱۰. حاجی قاسمی، کامبیز، ۱۳۷۷، **گنج‌نامه مدارس**، دانشگاه شهید بهشتی، انتشارات روزبه، تهران.
۱۱. حریرچی، زند، ۱۳۷۹، **گنج‌نامه فرهنگ آثار معماری اسلامی ایران**، دفتر پنجم، مدارس، انتشارات مرکز اسناد و تحقیقات دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۱۲. رحمان پور، علی‌اکبر، ۱۳۸۹، **معیارهای مکان‌یابی مدارس و ارزیابی آن‌ها**، انتشارات آموزش جغرافیا، دوره ۲۴، شماره ۳، صص ۲۴-۳۱.
۱۳. رشید نجفی، عطیه، ۱۳۸۹، **بررسی موقعیت و وضعیت حمام‌های تاریخی شهر تبریز**، فصلنامه علمی-پژوهشی صفا، سال بیستم، شماره ۵۱، صص ۶۲-۷۴.
۱۴. فردوسی، میرزا ابوالقاسم، ۱۳۵۴، **شاهنامه**، تصحیح محمد رضانی، مؤسسه خاور، تهران.
۱۵. فرهادی، رودابه و اکبر پرهیزکار، ۱۳۸۱، **تجزیه و تحلیل توزیع فضایی و مکان‌یابی مدارس ابتدایی منطقه ۶ تهران با استفاده از GIS**، نشریه مدرس، دوره ۶ شماره ۲، صص ۹۷-۱۱۶.
۱۶. فسایی، حاج میرزا حسین، ۱۳۱۳، **فارسنامه ناصری**، تهران.
۱۷. سلطان‌زاده، حسین، ۱۳۷۸، **مسجد-مدرسه‌های تهران**، فصلنامه فرهنگی، تحقیقی، اجتماعی و تاریخی وقف میراث جاویدان، سال هفتم، شماره ۴، صص ۵۳-۶۴.
۱۸. ۱۳۶۴، **تاریخ مدارس ایران از عهد باستان تا تأسیس دارالفنون**، انتشارات آگاه، تهران.
۱۹. ۱۳۶۵، **مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران**، انتشارات آبی، تهران.
۲۰. طاهرسیمیا، سارا، ایرانی بهبهانی، هما و کاوه بذرافکن، ۱۳۹۴، **تبیین نقش آموزشی فضای باز در مدارس ایران با مطالعه تطبیقی مدارس سنتی تا معاصر**، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، سال سوم، شماره ۶، صص ۵۵-۶۷.
۲۱. قبادیانی، ناصر خسرو، ۱۳۵۸، **سفرنامه ناصر خسرو**، به کوشش نادر وزین پور، انتشارات جیبی، تهران.
۲۲. کونل، ارنست، ۱۳۵۴، **هنر اسلامی**، ترجمه هوشنگ طاهری، انتشارات توس، تهران.
۲۳. مهراندیش، محمد، ۱۳۷۶، **عوامل مؤثر در مکان‌یابی مدارس با استفاده از GIS**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۲۴. نراقی، حسن، ۱۳۴۸، **آثار تاریخی شهرستان‌های کاشان و نطنز**، انجمن آثار ملی، تهران.
۲۵. هنرفر، لطف‌الله، ۱۳۴۴، **گنجینه آثار تاریخی اصفهان**، کتاب‌فروشی ثقفی، اصفهان.
۲۶. هیلن برند، روبرت، ۱۳۸۰، **معماری اسلامی**، شکل کارکرد و معنا، ترجمه دکتر باقر آیت‌الله شیرازی، انتشارات روزنه، تهران.
27. Ibn B., 1980, **Ibn Battuta's**, travelogue, Translation by Rafi al-Din IshaqHamedani, Correcting AsgharMahdavi, Tehran Culture Foundation Foundation, Tehran, Iran.
28. **Atlas of the city of Isfahan**, 2011, Department of Roads and Urban Development of Isfahan Province.
29. **Atlas of the City of Qazvin**, 2011, Road and Urban Development Office of Qazvin Province.
30. Al-Asfahani, M.M ibn Mohammad Reza, 1989, **Half of the world in Fayefar al-Isfahan**, Amir Kabir, Tehran.
31. Orléans, E., 1974, **Ursula Travelogue**, Translated by Ali AsgharSeyyedi, Zavar Publications, Tehran.
32. Pirnia, M.K, 2010, **Introduction to Islamic Architecture of Iran**, GholamHosseinMemarian, 1st volume, fifth edition, SoroushDanesh Publication, Tehran.
33. Tavassoli, M., 1981, **Construction of the City and Architecture in Warm and Dry Climate of**

- Iran, Payvand Publishing House, Tehran.
34. Jafari, H., 2011, **Shi'ism in The Course of History**, translation of SayyidTaqi Ayatollah Ali, Islamic Culture Publishing House, Tehran.
 35. Harirchi, Z., 2000, **Ganjnameh Cultural Works of Islamic Architecture of Iran**, Fifth Office, Schools, Center for Documentation and Research, Faculty of Architecture and Urban Planning, ShahidBeheshti University, Tehran.
 36. Ferdowsi, A.gh, 1975, **Shahnameh**, Correction of Mohammad Ramezani, Khavareh Institute, Tehran.
 37. Fesayee, Hajj Mirza H., 1934, **FarshmatNaseri**, Tehran.
 38. Soltanzadeh, H., 1999, **Tehran Mosque-Schools**, Quarterly Journal of Historical and Social Studies, Endowed with the Legacy of Javidan, Seventh Year, No. 4, pp.53-64.
 39. Soltanzadeh, H., 1985, **History of Iranian Schools from the Ancient to the Establishment of Darulfonon**, Aqah Publication, Tehran.
 40. Soltanzadeh, Hossein, 1986, **An Introduction to the History of City and Urbanization in Iran**, Abye Publication, Tehran.
 41. Conel, E., 1975, **Islamic Art**, Translation by HoushangTaheri, Toos Publishing House, Tehran.
 42. Ghobadiyani, N.Kh., 1979, **Nasser Khosrow's Travelogue**, by Nader Vesinpour, Pocket Publishing, Tehran.
 43. Naraghi, H., 1969, **Historical monuments of Kashan and Natanz**, National Art Association, Tehran.
 44. Honar Far, L., 1965, **Treasures of Historical Works of Isfahan**, Saghafi Bookstore, Isfahan.